



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۱/۱۳

فضل الرحمن فاضل

سفیران افغانستان در مصر

قسمت دهم

خوانندگان گرانقدر پورتال افغان جرمن آنلاين! این نوشته جناب محترم فضل الرحمن فاضل در شکل یک کتاب تدوین شده است بناءً افغان جرمن آنلاين آنرا با همان فورمات در خدمت شما قرار می دهد. با حُرمت



۱۴- **خاطرات:** شادروان غلام حضرت کوشان راجع به دیدارش در سال های اخیر زندگی مرحوم داوی می نگارد: "... یک بار پرسیدم: خاطرات خود را در باره حوادث هنگام وزارت و سفارت و عهده های سرمنشی و رئیس شورا

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

و اعیان جمع آوری کرده اید؟ بعد از تبسم طولانی جواب داد که از فرزندت بی‌رس. محمد قوی^۱ جان این سه ماه است که اضافه از دو صد و پنجاه صفحه خاطراتم را برایم تایپ کرده. من تا حال ۱۲ دفتر نوشته‌ام و زیادت‌رهنگام عهده سفارت در قاهره و جاکارتا نوشته‌ام. (کوشان، ۱۹۹۸: ۴)

فرهنگی فرهیخته آقای زرین انخورد در اثر حجیم و سودمندش "د افغانستان د ژورنالیزم مخکینان" آثار زیر را نیز از جمله میراث فکری شادروان داوی می‌خواند. (انخورد، ۱۳۶۵: ۷۶-۷۸)

۱۵- **سفرنامه منصوره**: این کتاب در سال ۱۲۹۸ {ه.ش} نبشته شده؛ اما به چاپ نرسیده است.

۱۶- **حافظ شیراز**: در مورد زندگی، شعر و افکار شاعر بزرگ زبان فارسی حافظ شیرازی نبشته شده، اما تاکنون به چاپ نرسیده است.

۱۷- **د پښتو تاریخ او آینده**: این کتاب به زبان پشتو پیرامون تاریخ زبان پشتو بهرشته تحریر درآمده که اثری است علمی پژوهشی.

۱۸- **پښتو او نوری ژبی**: در مورد زبان‌شناسی اثر پژوهشی است به گونه مقایسوی و تطبیقی میان زبان‌ها که تاکنون به چاپ نرسیده است.

۱۹- **پښتو اشعار**: مجموعه‌ای از سروده‌های استاد داوی به زبان پشتو است که به چاپ نرسیده است.

۲۰- **سوانح زندگی**: داوی این کتاب را در مورد رویداد های زندگی خویش نوشته است که در برخی منابع از آن به نام "زیست‌نامه" نیز تعبیر شده است و استوار بر نوشته آقای زرین انخورد - از جمله معدود کسانی است که با مرحوم در اواخر عمرش مصاحبه نموده و باربار در منزلش به زیارت او رفته است - می‌نویسد که: داوی تا آخرین روز های زندگی مصروف تکمیل اثر اخیرالذکر خویش بود و آخرین مصروفیت ادبی او به شمار می‌رود و تاکنون به چاپ نرسیده است.^۲

۲۱- **گل های آب گشته**: اثری است به نثر شیوا و زیبای مرحوم داوی که به گفته دوست ارجمند آقای عبدالباری شهرت ننگیال، مرحوم داوی این رساله‌اش را در مورد آنانی نگاشته که در مأموریت های خارجی برون از مرز های کشور، اشتباهاتی از ایشان سر زده است. این رساله را آقای شهرت ننگیال تحت عنوان "اوبوخیلی گلان" به زبان پشتو ترجمه کرده است.

چه بهتر که به عنوان حسن ختام این رساله را با زندگینامه مرحوم داوی که خودش به قلم خویش نوشته و از مطالعه آن بر می‌آید که مرحوم داوی آن را در آخرین سال های زندگی خویش نگاشته و مرحوم مولانا محمد حنیف بلخی آن را به دست آورده و در تذکره حجیم خویش "پر طاووس" به نشر سپرده است، آذین بندیم و آن را در این‌جا درج کنیم:

"شخص مشهور خاندان ما مولینا نورمحمد داوی است که از روحانیون عصر خود در قندهار بود، مزار مبارکش در خیل آخوند نام قریه ترنک حالا هم مرجع دعا و زیارت عموم مردم قندهار است، قدس الله سره. والد بنده عبدالاحد از احفاد برادر آخوند صاحب است و والدۀ بنده از احفاد دختر آخوند صاحب مرحوم است، جد پدری بنده جناب محمد خضر مرحوم از علما و اطبای مشهور قندهار بوده، علاوه بر طبابت شغل تجارت نیز داشته، ایران و هندوستان را سیاحت و از هم‌صحبتان علامه حبیب الله کاکری محقق قندهاری بودند.

از منتجات و تجارب رساله طبیه به نام «انموذج» دارند، پسر دوم شان عبدالصمد آخوندزاده که عم و خسر بنده نیز می‌باشند، مرد روحانی و شغل طبابت داشتند و در غزای میوند به شوق زیاد شرکت ورزیدند. والد بنده پسر بزرگتر محمد خضر مرحوم شغل طبابت و تجارت داشت، امیر عبدالرحمن خان مرحوم او را به معالجه سردار عبدالقدوس خان که بعد ها به اعتماد الدوله ملقب گردید، از قندهار به ارزگان رفتن امر فرستاد، سردار مذکور رئیس قوه دولت برای سرکوبی بغا (باغی‌ها) در ارزگان داخل محاربه بود، چون مشارالیه تحت معالجه قبله‌گاه مرحوم

^۱ محمد قوی کوشان پسر غلام حضرت کوشان مدیر مسئول هفته نامه "امید" چاپ امریکا. یگانه پسر مرحوم داوی نیز عبدالقوی نام داشت.

^۲ زرین انخورد، د افغانستان د ژورنالیزم مخکینان، ص ۷۸

صحت یافته و بغاوت فرو نشست، امیر مرحوم به فرمان دیگری، قبله‌گاه معظم را طیب حضور خویش مقرر کرد، قبله‌گاه به کابل سکونت اختیار کردند.

بنده در ۱۴ جمادی الاول سال ۱۳۱۳ هجری قمری^۲ در گذر باغ علی‌مردان کابل تولد شده تحصیلات ابتدائی را در خانه و بعداً داخل مکتب حبیبیه گردیدم. در سنه ۱۳۲۰ هـ. ق/۱۹۰۳م} تا صنف نهم آن وقت را که معادل بکلوریا باشد طی نموده در سنه ۱۳۳۲ هـ. ق/۱۹۱۲م} به اداره سراج الاخبار افغانیه برای مقاله نویسی مقرر شدم (به امر عنایت‌الله خان معین السلطنه) و در سنه ۱۳۳۷ هـ. ق/۱۹۱۸م} به سبب یک شعر خود مشهور به مخمس "بدنبود" که در سراج‌الخبر نشر شد به حکم امیر حبیب‌الله خان در ارگ‌شاهی محبوس گردیدم، این حبس مدت سه چهار روز بعد از واقعه سوء قصد ناکام علیه امیر صاحب(شب جشن ۱۲۹۷ شمسی) در شوربازار کابل واقع گردید.

وقتی که امیر مذکور در کله‌گوش لغمان به شهادت رسید، بنده به امر اعلیحضرت امان‌الله خان رها شدم (بعد از هفت ماه حبس) و به امر او اول مدیر مجله "امان افغان" و بعد در سنه ۱۳۳۸ هـ. ق/۱۹۱۹م} به خواهش محمود طرزی مرحوم در وزارت خارجه مدیر شعبه هند و اروپا و در سنه ۱۳۳۹ هـ. ق/۱۹۲۰م} مستشار ثانی وزارت خارجه و یک‌سال بعد عضو هیأت مذاکرات استقلال با دولت برتانیه در شهر منسوری همالایا و در سنه مذکور رئیس هیأت تحقیقیه استقلال بخارا و در سنه ۱۳۴۰ هـ. ق/۱۹۲۱م} باز عضو مجلس مذاکرات استقلال با هیأت برتانوی که وارد کابل شده بود و در آخر سال مذکور وزیر مختار افغانستان در لندن و در سنه ۱۳۴۳ هـ. ق/۱۹۲۵م} وزیر تجارت مقرر شدم. و در سنه ۱۳۴۶ هـ. ق/۱۹۲۷م} از وزارت تجارت مستعفی ولی باز مرا رئیس مجلس اعیان در ایام شورش سقوی ساخت. بعد از فرار شاه طرف قندهار از طرف سقوی ها تشویق شدم که به کابینه وزرا شامل شوم، ولی به عذر مریضی انکار کردم پس مرا محبوس ساختند. بعد از رهایی به طرف چکری و خوگیانی با عائله رفتم و از آن جا به راه هند، به قندهار نزد امان‌الله خان رفتم، امان‌الله شاه هزیمت یافت من هم به خواهش و استدعای او تا بمبئی همراهی نمودم، وقتیکه او به ایتالیه رفت، بنده با او نرفته در کراچی ماندم. در سنه ۱۳۴۸ هـ. ق/۱۹۳۰م} اعلیحضرت محمد نادر شاه تلگرافی مرا به کابل خواست بنده با شیرمحمد خان خروتی مرحوم از راه قندهار به کابل آمدم و در همان سنه به حیث سفیر آلمان به اروپا رفتم، در سنه ۱۳۵۰ هـ. ق/۱۹۳۱م} استعفا کردم، بعد به مشوره سردار محمد عزیز خان شهید که به برلین آمده بود، به کابل آمدم در سنه ۱۳۵۱ هـ. ق/۱۹۳۲م} عضو افتخاری پشتو تولنه و در سنه ۱۳۵۲ هـ. ق/۱۹۳۳م} روز چهارم شهادت اعلیحضرت محمد نادر شاه محبوس سیاسی ارگ شدم. در آخر سنه ۱۳۶۵ هـ. ق/۱۹۴۶م} از حبس رها شدم و به فرمان و خواهش محمد ظاهر شاه در سنه ۱۳۶۷ هـ. ق/۱۹۴۸م} سرمنشی حضور مقرر شدم، در همین سال عضو هیأت نظار دارالمساکین(مرستون) کابل و رئیس مؤسسه خیریه بانک ملی و عضو هیأت نظار مؤسسه نسوان نیز گردیدم. بعد از یک سفر با محمدظاهر شاه به بدخشان از سرمنشی‌گری مستعفی و به خواهش اهالی ده سبز برای وکالت شورا کانیدا و رئیس دوره هفتم شورای ملی مقرر گردیدم، در سنه ۱۳۷۲ هـ. ق/۱۹۵۲م} سفیر افغانستان در قاهره و ریاض مقرر شدم و در سنه ۱۳۷۴ هـ. ق/۱۹۵۵م} به سفارت اندونیزیا مامور و در کنفرانس باندونگ اشتراک کردم در سنه ۱۳۷۷ هـ. ق/۱۹۵۸م} به کابل عودت کردم در سنه ۱۳۸۳ هـ. ق/۱۹۶۴م} مشاور قانون اساسی جدید در سنه ۱۳۸۴ هـ. ق/۱۹۶۵م} رئیس مجلس اعیان و در سنه ۱۳۸۸ هـ. ق/۱۹۶۸م} رئیس مشرانو جرگه مقرر شدم. اینها وظایف رسمی‌ام بود که جمله ۶۰ سال شود.

^۲ سال تولد مرحوم داوی در منابع مختلف، به گونه‌های گوناگون ثبت گردیده است که اکثر نادرست می‌باشد و به فرموده مرحوم عبدالهادی داوی که خود در چند جای تذکر داده و از جمله شخصاً به مولانا حنیف بلخی نگارنده تذکره حجیم و مشهور "پرطاووس" طی یادداشتی نگاشته، تولد خود را «۱۴ جمادی الأولى ۱۳۱۳ هجری قمری» گفته است. این تاریخ مصادف است به روز شنبه، برابر با ۱۱ عقرب ۱۲۷۴ هجری خورشیدی و دوم نوامبر ۱۸۹۵ م. فاضل

زبان عربی و اردو را در مکتب حبیبیه یاد گرفتم و زبان ترکی را نزد علی افندی در ظرف دو ماه یاد گرفتم و زبان انگلیسی ام کمی در لندن تقویه یافت و شعر من از صحبت مولوی محمد سرور و اصف و قاری ملک الشعراء و عبدالغفور خان ندیم صیقل خورد. آثار من عبارت از «عبرتنامه»، «تجارت شمالی ما»، «مجموعه پریشان» در شانزده جلد کوچک، «کلیات اشعار»، «سفر الاسفار»، «در اندونیزیا»، «سفرنامه‌ها»، «آثار اردوی اقبال»، «مجموعه مقالات» و «مجموعه نطق‌ها» است. **«حنیف بلخی، ۲۰۱۸: ۳۵۵-۳۶۹»**

یادداشت: در سراسر این مقاله، آنچه را که این‌جانب در میان متن اصلی، جهت توضیح آورده‌ام؛ همه را با این علامت { } مشخص کرده‌ام. ف. فاضل

بقیه دارد

منابعی که در نگارش این مقاله، مورد بهره قرار گرفته است: